

# سالم‌سازی جامعه از انحرافات اخلاقی در قصص قرآن

دکتر محمد حسین مردانی نوکنده<sup>۱</sup>

## چکیده

یکی از اصولی که می‌تواند سعادت و سلامت جامعه را در ابعاد گسترده آن فراهم آورد، سالم‌سازی جامعه از انحرافات اخلاقی می‌باشد. سؤال اصلی در این نوشتار پژوهشی آن است که راهکار عملی برای سالم‌سازی جامعه از انحرافات اخلاقی در قصص قرآن چیست؟ روش تحقیق، کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از نتایج دستاوردهای پژوهشی و تحقیقات صورت گرفته در این موضوع می‌باشد. با حرکتی تدریجی و انقلابی فرهنگی و گسترش امر به معروف و نهی از منکر و مجازات منحرفان و طرد عوامل فساد و تباهی و بهره‌جستن از شیوه‌های تربیتی گوناگون می‌توان جامعه را از آلودگی‌های اخلاقی زدود. **کلیدواژه‌ها:** قصص قرآنی، سالم‌سازی جامعه، انحرافات اجتماعی، آلودگی‌های اخلاقی.

## مقدمه

بی‌تردید وضع محیط اجتماعی زندگی انسان اثر فوق‌العاده‌ای در روحیات و اعمال او دارد؛ چرا که انسان بسیاری از صفات خود را از محیط کسب می‌کند. محیط‌های پاک غالباً افراد پاک پرورش می‌دهند و محیط‌های آلوده غالباً افراد آلوده.

۱. دکترای فلسفه - مدرّس دانشگاه گلستان [Mardani.nokandeh@yahoo.com](mailto:Mardani.nokandeh@yahoo.com)

دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۹ - پذیرش ۱۳۹۴/۶/۱۳

درست است که شرایط محیط، علت تامه در خوبی و بدی افراد نیست، ولی تأثیر آن را به عنوان یک عامل مهم زمینه‌ساز نمی‌توان انکار کرد. ما هرچند جبر را در تمام اشکالش نفی می‌کنیم، اما تأثیر قوی عوامل زمینه‌ساز را هرگز انکار نخواهیم کرد.

براین اساس، روابط ناسالم، خشن و مبتنی بر حقارت و ذلت بر پایه ستم و بی‌عدالتی در تخریب شخصیت انسانی افراد نقش دارد. قرآن کریم در قالب تمثیلی نغز، تأثیر محیط در اعمال و کردار انسان را چنین به تصویر کشیده می‌فرماید: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا﴾ (اعراف/۵۸)؛ و سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگارش می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش در آن نمی‌روید.

در این مثال، انسان‌ها به گیاه تشبیه شده‌اند و محیط زندگی آنها به زمین‌های شور و شیرین. در یک محیط آلوده، پرورش انسان‌های پاک مشکل است، هرچند تعلیمات قوی و مؤثر باشد، همان‌گونه که قطرات حیات بخش باران هرگز در شوره‌زار سنبل نمی‌رویاند. به همین دلیل برای تهذیب نفوس و تحکیم اخلاق صالح باید به اصلاح محیط اهمیت فراوان داد. در این مقاله پژوهشی ما برآنیم تا سالم‌سازی جامعه از انحرافات اخلاقی را در قصص قرآن بررسی و تحلیل کنیم.

### پیشینه

مقالات گوناگون و کتب مختلفی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است، که در لابه‌لای موضوعات به بحث سالم‌سازی جامعه نیز اشاره‌ای کرده‌اند، اما شاخصه این نوشتار آن است که بحث سالم‌سازی جامعه از انحرافات را تنها در قصص قرآن مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و کل نوشتار از نظمی منطقی برخوردار است.

### تأثیر محیط بر افکار و رفتار انسان در قصص قرآن

۱- بارزترین مصداق تأثیرپذیری افراد از یک محیط ناسالم را می‌توان در قوم بنی اسرائیل سراغ گرفت؛ زیرا این جماعت با آنکه سال‌ها تحت تعلیمات روحانی و معنوی موسی علیه السلام قرار داشتند و حتی به چشم خود معجزه عظیمی همچون شکافته

شدن دریا و غرق شدن فرعونیان را در امواج سهمگین آن دیده بودند، اما همین که در مسیر خود به سوی شام و سرزمین های مقدس با گروهی بت پرست برخوردند که با خضوع و تواضع عجیبی در اطراف بت هایشان گرد آمده بودند، بنی اسرائیل چنان تحت تأثیر این محیط ناسالم قرار گرفتند که صدا زدند: «يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (اعراف / ۱۳۸)؛ ای موسی برای ما بتی قرار بده به همان گونه که آن ها دارای معبودان و بت ها هستند!

این موضوع به خوبی نشان می دهد که محیط های ناسالم تا چه حد می تواند در مسائل اخلاقی و حتی عقیدتی اثر بگذارد. شک نیست که بنی اسرائیل پیش از مشاهده این گروه بت پرست، زمینه فکری مساعدی در اثر زندگی مدام در میان مصریان بت پرست برای این موضوع داشتند، ولی مشاهده آن صحنه تازه به منزله جرقه ای بود که زمینه های قبلی را فعال کرد و روح بت پرستی را در ضمیر آنها احیا نمود.<sup>۱</sup>

۲- در ماجرای دیگری بینیم حضرت نوح عليه السلام هنگامی که قومش را نفرین نموده، برای آنها تقاضای عذاب الهی می کند، تقاضای خود را با این دلیل همراه می سازد: «إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» (نوح / ۲۷)؛ اگر آن ها را به خود واگذاری بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند.

۳- در صحنه ای دیگر شاهد تأثیر شگفت روحیه اشرف گرایی برخی نخبگان بر فرهنگ عمومی بعضی از مردم هستیم، آنجا که قارون در نمایش جنون آمیز ثروت خود به دیگران، تمام توان و قدرت خود را به کار می گیرد و آخرین زینت ها و بالاترین ثروت های خود را به رخ همگان می کشد. «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص / ۷۹)؛ پس [قارون] با کوکبه خود بر قومش نمایان شد.

این صحنه خیره کننده چنان تأثیر عجیبی بر روح و فکر عموم مردم به جای گذاشت که اکثریت دنیا پرست با مشاهده آن همه زرق و برق ها و جاه و جلال، آه سوزانی از دل

۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، ص ۱۲۳.

کشیدند و آرزو کردند که ای کاش به جای قارون بودند، حتی یک روز و یک ساعت و یک لحظه!<sup>۱</sup>

۴. گناه دامنه فساد در محیطی آن چنان گسترش می یابد که نیکان و پاکان منزوی می شوند و پاک دامنی در آنجا جرم به شمار می رود؛ براین اساس، کوردلان قوم لوط که در منجلاب فساد غوطه ور بودند و فطرتشان واژگونه شده بود، وجود پاکانی چون لوط و پیروان او را در میان خود بر نمی تابند و فرمان به اخراج آنها می دهند، زیرا تنها جرمشان پاک دامنی و همرنگ نشدن با آن آلودگان بود. «أَخْرَجُوهُمْ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ» (اعراف/۸۲).

۵. در محیطی که قبح گناه شکسته می شود و حساسیت به زشتی از میان می رود ارتکاب گناه به راحتی صورت می گیرد و افراد بی محابا به هرگونه فسادی تن می دهند؛ همان گونه که همسر عزیز مصر ابتدا از افشای کار زشت خود می ترسید و از این رو درب ها را می بندد، تا کسی از گناهِش آگاهی نیابد: «و غَلَقَتِ الْآبَوَابُ» اما هنگامی که زنان مصر را همراه و همداستان خود می بیند آشکارا می گوید: «وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ» (یوسف/۳۲)؛ من او را به سوی خود خواندم.

### سالم سازی جامعه از انحرافات اخلاقی

هرچند برای مبارزه با انحرافات اخلاقی و زدودن مظاهر فساد و تباهی روش ها و راهکارهای گوناگونی را می توان ارائه داد، لیکن ما برآنیم تا از منظر قصص قرآن به این موضوع بنگریم و از لابه لای این داستان ها، روش هایی که زمینه های لازم را برای سالم سازی محیط فراهم می آورند، جویا شویم. مهم ترین این روش ها عبارت اند از:

#### ۱- ریشه یابی آلودگی ها و رذایل

بدیهی است تا زمانی که کانون های فساد و تباهی در جامعه ای به اشاعه میکروب های گناه مشغول هستند و روح و روان انسان ها را با تیغ های زهرآگینی که بر سر

۱. بنگرید به: قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۴، ص ۱۵۹.

راه هدایت کاشته‌اند، مجروح و مسموم می‌سازند، نمی‌توان انتظار داشت تا افراد آن جامعه به سعادت و فلاح دست یابند. از این رو غفلت از ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش انحرافات و پرداختن به حواشی و فعالیت‌های غیر ضرور، کاری بیهوده و به اصطلاح نقش بر آب زدن است.<sup>۱</sup>

### الف- بت‌پرستی و شرک

از زمان حضرت نوح علیه السلام که مردم به گرد پنج بت معروف؛ یعنی: «ود»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر» پروانه‌وار می‌گشتند و در پیشگاه آنها سربه خاک می‌ساییدند تا زمان حاضر که بت‌ها طرح‌ها و جلوه‌های گوناگون یافته‌اند، همواره بت‌پرستی یکی از موانع مهم بر سر راه حرکت‌های توحیدی بوده و انسان‌ها را از وصول به معبود حقیقی‌شان باز داشته است.

### ب- رهبران باطل

از آنجا که نبض جامعه‌ها در دست هیئت‌های حاکم و دار و دسته آنهاست، هر برنامه اصلاحی و انقلابی اول باید آنها را هدف‌گیری کند. براین اساس، موسی علیه السلام در درجه اول به سوی فرعون و ملأ او مبعوث می‌گردد، گرچه از برنامه‌های موسی نجات بنی اسرائیل از چنگال استعمار فرعونیان و استخلاص آنها از سرزمین مصر بود، این بدون گفت‌وگو و پنجه در پنجه فرعون افکندن امکان‌پذیر نبود.<sup>۲</sup>

در جایی دیگر می‌بینیم خداوند از مبعوث شدن موسی علیه السلام به سوی سه کانون مهم فساد در جامعه سخن به میان آورده، می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ\* إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ» (غافر/ ۲۳-۲۴)؛ ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن به سوی فرعون و هامان و قارون فرستادیم.

شگفت آنکه هریک از این افراد مظهر و نماد چیزی بودند: «فرعون» نماد طغیان و سرکشی

۱. بنگرید به: قطب، سید، تفسیر فی ظلال القرآن، ص ۹۸.

۲. بنگرید به: حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۵۶.

و حاکمیت ظلم و جور. «هامان» مظهر شیطنت و طرح های شیطنانی. و «قارون» نماد ثروتمند یاغی و استشمارگر که برای حفظ ثروت خویش از هیچ کاری ابا نداشت<sup>۱</sup>.

## ۲- انقلاب فرهنگی

مهم ترین گام اصلاحی انبیاء در جوامع بشری در هم شکستن چهارچوب های ارزش های دروغینی بوده که مستکبران و سردمداران کفر رواج داده بودند و آنها بر اساس این ارزش ها محور شخصیت افراد را ثروت و شهرت و جاه و جلال و غلامان و کنیزان و وسایل تجملی می پنداشتند و کسانی را که فاقد این امکانات بودند از درجه اعتبار ساقط می دانستند. اما پیامبران با تعلیمات خود این معیارهای غلط را در هم شکستند و ارزش های اصیل الهی و انسانی همچون علم و تقوا و پاک دامنی و گذشت را جانشین آن ساختند. در حقیقت این امر که به حق باید آن را یک «انقلاب فرهنگی و ارزشی» نام نهاد، اساسی ترین حرکت اصلاحی نام آوران توحید را تشکیل می داد، چرا که تا نظام فکری و ارزشی یک جامعه اصلاح نشود آن جامعه هرگز روی سعادت را نخواهد دید<sup>۲</sup>.

## ۳- اصلاح تدریجی

هیچ حرکت اصلاحی و تربیتی جز در بستری مناسب و با روندی تدریجی و جز با رعایت توانایی ها و قدرت افراد به سامان نمی رسد. در این زمینه سرگذشت عبرت آموز حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام برای تمامی مصلحان و مبلغان می تواند دربردارنده درس ها و پیام های راهگشا باشد.

آن حضرت با آنکه سال ها در میان قومش «در سرزمین نینوا در عراق» به دعوت و تبلیغ مشغول بود، اما از آنجا که می دید آه گرمش در آهن سرد آن جماعت اثر نمی بخشد و ارشادهایش در دل آنها مؤثر نمی افتد خشمگین شد و پس از آنکه قومش را نفرین نمود و

۱. بنگرید به: جعفری، یعقوب، شرح تاریخی قرآن، ص ۵۶.

۲. قاسمی، حمید محمد، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۵۲. همچنین بنگرید به: برومند،

مهدی، شیوه های تعلیم در قرآن و سنت، ص ۲۳.

تقاضای عذاب الهی برایشان کرد، آنها را ترک گفت. عجیب آنکه خداوند این پیامبر بزرگ الهی را به سبب این ترک اولایش و به دلیل کم طاقتی در راه اصلاح و تربیت قومش به «بنده ای فراری» تشبیه می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ (صافات / ۴۰)؛ به خاطر بیاور هنگامی را که به سوی کشتی آکنده از بار و جمعیت فرار کرد.

#### ۴- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از روش‌های مهم که نقش بسزایی در سالم‌سازی محیط و احیای خوبی‌ها و حذف و طرد آلودگی‌ها و امور ناپسند از محیط جامعه ایفا می‌نماید، امر به معروف و نهی از منکر است.

قرآن کریم کسانی را که نسبت به فساد محیط خود بی‌تفاوت باشند و سر در لاک خود فرو برده، نسبت به اعمال زشت دیگران حساسیتی به خرج نمی‌دهند، مطرود و ملعون انبیاء خوانده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ \* كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ (مائده / ۷۸-۷۹)؛

آنها که از بنی اسرائیل کافر شدند، بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند. این به خاطر آن بود که گناه می‌کردند و تجاوز می‌نمودند، و از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند.

قرآن کریم در برخی داستان‌های خود، سرگذشت برخی مجاهدان جان برکف را نقل می‌کند که در محیطی سرشار از کفر و بی‌ایمانی، سکوت را جایز نشماردند و یک‌تنه در برابر تمامی مشرکان لجوج ایستادند و قومشان را از سقوط در گرداب گناه و آلودگی برحذر داشتند؛ از جمله:

۱- قرآن از مردی باایمان و ثابت قدم یاد نموده است که وقتی می‌شنود در قلب شهر، مردم علیه پیام‌آوران توحید (که به فرمان عیسی‌ای مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ به آن منطقه اعزام شده بودند) شوریده‌اند و قصد به قتل رسانیدن آنها را دارند، سکوت را جایز ندانست و با شتاب خود را به مرکز شهر رسانید و آنچه در توان داشت در دفاع از حق فروگذار نکرد و به

مردم روی کرده، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان خدا پیروی کنید ﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾ (یس / ۲۰).

۲- مؤمن آل فرعون از مصلحانی بود که در محیطی شرک آلود و پراز ستم یک تنه پا به میدان گذاشت و با منطق کوبنده و استدلال های روشن و گویای خود قومش را به تبعیت از فرامین الهی دعوت نمود و با فریادی رسا و قاطع سردمداران کفر را از ادامه راهشان برحذر داشت. (مؤمن / ۲۸-۴۶).

۳- اصحاب کهف نیز نمونه بارزی از بلندهمتانی بودند که در جامعه ای که کفر و شرک در تمام شریان های آن نفوذ کرده بود، سکوت را روا ندانستند و با قیامی یک پارچه و یک صدا آهنگ توحید سر دادند. آنها در آن فضای شرک آلود از انحراف قوم خود و بت پرستی آنان رنج می بردند و نمی توانستند شاهد آن همه انحطاط فکری مردم باشند. از این رو می گفتند: ﴿هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ﴾ (کهف / ۱۵)، این قوم ما معبودهایی جز خدا انتخاب کرده اند. چرا آنها دلیل آشکاری بر این معبودان نمی آورند؟

#### ۵- بهره جستن از روش های مختلف

مفاسد اخلاقی و اجتماعی غالباً تک علتی نیستند و گاه مجموعه ای از عوامل در شکل گیری یک انحراف اخلاقی تأثیرگذار است؛ از این رو برای مقابله و مبارزه با آنها نیز لزوم بهره گیری از روش های مختلف و گوناگون اجتناب ناپذیر به نظر می رسد.

قرآن کریم بارها به این روش مهم تربیتی اشاره داشته و خود نیز در مقام عمل، فراوان آن را به کار برده است. در جایی می فرماید: ﴿وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (احقاف / ۲۷)؛ ما آیات خود را به صورت های گوناگون برای آنها بیان نمودیم؛ شاید بازگردند.

و در جای دیگری فرماید: ﴿كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ﴾ (حجر / ۱۲)، ما این چنین (و با استفاده از تمام وسایل) قرآن را به درون دل های مجرمان راه می دهیم.

این جمله اشاره به آن دارد که خداوند آیات خود را از طرق مختلف آن چنان به مجرمان و مخالفان تفهیم می کند که گویی در دل آن ها وارد شده است؛ اما متأسفانه



عدم قابلیت و آماده نبودن محل، سبب بیرون راندن آن و جذب نشدن در درون جانشان می‌گردد، درست مانند غذای مقوی و مفیدی که معده ناسالم آن را جذب نکرده، به بیرون باز می‌گرداند.

قرآن در اشاره به این موضوع می‌فرماید:

﴿إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾، (فصلت/ ۱۴) (به خاطر آورید) آن هنگامی که رسولان الهی از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت کردند.

تعبیر «از پیش رو و پشت سر» ممکن است اشاره به این نکته باشد که پیامبران الهی از تمام وسایل هدایت و تبلیغ و از هر روشی و از هر دری که ممکن بود وارد شدند، تا در دل مردم نفوذ کنند و آنان را هدایت کنند.<sup>۱</sup>

در اینجا به نمونه‌هایی از روش‌هایی که پیامبران و مصلحان الهی در هدایت افراد و گروه‌ها از آن بهره‌جسته‌اند اشاره می‌کنیم:

۱- نخستین پیامبری که با افرادی بت پرست، لجوج و متعصب مواجه بود نوح علیه السلام بود. آن حضرت برای نفوذ در دل‌های آن جماعت از روش‌های گوناگون و فرصت‌های مقتضی بهره‌جست، آن چنان که خود در این باره فرموده است: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (به سوی تو) دعوت کردم... سپس آنها را آشکارا (به توحید و بندگی تو) دعوت کردم. (به این نیز قناعت نکردم) و آشکارا و نهان حقیقت توحید و ایمان را برای آنها بیان داشتم.» (نوح/ ۹۵)

به گفته برخی مفسران آن حضرت روش دعوت خود را از سه طریق مختلف دنبال کرد: ۱- گاه تنها دعوت مخفیانه می‌نمود، که با عکس‌العمل‌های چهارگانه روبه‌رو شد. (انگشت‌ها را در گوش گذاشته، لباس‌ها را به خود پیچیدند، در کفر اصرار ورزیدند و استکبار نمودند) و گاه تنها دعوت علنی و آشکار داشت و گاه نیز از روش آمیختن

۱. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۶۰۰.

دعوت آشکار و نهان استفاده می‌کرد.<sup>۱</sup>

۲- حضرت ابراهیم علیه السلام نیز از هر طریق ممکن سعی در ترویج و گسترش مبانی توحیدی داشت، به طوری که می‌توان گفت تنوع شیوه‌های تبلیغی و اصلاحی آن حضرت در تاریخ تبلیغ دینی کم‌نظیر است؛<sup>۲</sup> به عنوان نمونه، فضاها و تبلیغ ابراهیم از تنوعی قابل توجه برخوردار بود؛ در خانه، در میان مردم کوچه و بازار، در بتخانه و عبادتگاه مشرکان، در دادگاه علنی مشرکان و حتی در دربار نمرود و هر کجای دیگر فعالیت تبلیغی او استمرار داشت و هرگز متوقف نمی‌شد.<sup>۳</sup>

۳- در روش اصلاحی حضرت سلیمان علیه السلام نیز مشاهده می‌کنیم که آن حضرت به جای دست زدن به یک لشکرکشی پرضایعه و توأم با خون‌ریزی، با طرح و نقشه‌های داهیهانه (یعنی دستور به ساختن صحن یکی از قصرها با بلور و جاری ساختن آب در زیر آن) تصمیم گرفت تا مغزو فکر ملکه سبا را چنان مبهوت و مقهور کند که تمام دستگاه تجمعاتی اش در نظرش حقیر و کوچک به نظر آید، و این نقطه عطفی در زندگی او و ایمان آوردن قوم او گردید.<sup>۴</sup>

## ۶- جایگزینی و تأمین نیازهای مشروع انسان

برای مبارزه با مفاسد می‌باید پیش از هر چیز زمینه برآوردن درست و مشروع غرایز را مهیا نمود و آن‌گاه از ارتکاب گناهان و انحرافات جلوگیری به عمل آورد. به تعبیر دیگر، هیچ‌گونه «مبارزه منفی» بدون «مبارزه مثبت» مؤثر نخواهد افتاد؛ چنان‌که قرآن کریم درباره شیوه پیامبر اسلام در دعوت افراد به آیین الهی بر این شیوه تأکید دارد: ﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ (اعراف/۱۵۷)؛ او طیبیات و آنچه را طبع سلیم

۱. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۳۶.

۲. همان جا.

۳. عباسی مقدم، مصطفی، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، ص ۱۹۴.

۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۸۲.

می‌پسندد برای آنها حلال می‌شمارد - و آن گاه می‌فرماید: - و آنچه خبیث و تنفرآمیز است بر آنها تحریم می‌کند.

در قصص قرآنی نیز می‌توان نمونه‌های متعددی را برای این روش اصلاحی و تربیتی سراغ گرفت؛ از جمله:

۱- در داستان آدم و حوا خدای متعال ابتدا راه بهره‌مندی از تمام نعمت‌ها را در مقابل آنها باز می‌گذارد و می‌فرماید: «از نعمت‌های گوارای بهشت هر چه می‌خواهید بخورید و بهره‌مند شوید».

و در ادامه، آنها را از نزدیک شدن به آن درخت ممنوع برحذر می‌دارد و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۳۵)، اما نزدیک این درخت نشوید، که از ستمکاران خواهید بود.

۲- در صحنه‌ای دیگر می‌بینیم حضرت لوط علیه السلام پیش از آنکه آن جماعت آلوده و منحرف را از اعمال ننگینشان منع کند، پیشنهاد می‌دهد دخترانش را به ازدواج آنها در آورد تا از طریق حلال و مشروع اشباع شوند و از گناه و آلودگی دست شویند.<sup>۱</sup> آن حضرت نخست به آن انسان‌های فاسد رو کرده، می‌فرماید: ﴿يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَظْهَرُ لَكُمْ﴾؛ ای قوم من! اینان دختران من هستند و برای شما پاکیزه‌ترند. سپس آنها را از کردار زشتشان باز می‌دارد و می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ فِي صَيْفِي﴾ (هود/۷۸)؛ از خدا بترسید و مرا در مورد میهمان‌هایم رسوا مسازید.

#### ۷- حفظ حریم زن و مرد و پیشگیری از ارتباط عنان گسیخته

یکی از عوامل مؤثر در سلامت روحی و روانی افراد جامعه و سالم‌سازی محیط از آلودگی‌های اخلاقی و افسار گسیختگی‌های حیوانی، تعیین حدود و ثغور و حریم‌ها در روابط و معاشرت‌های میان زن و مرد است. یکی از نمونه‌های بارز ارتباط سالم و

۱. بنگرید به: قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۲۳.

معاشرت صحیح زن و مردم را می‌توان در داستان موسی و دختران شعیب سراغ گرفت.<sup>۱</sup> در ابتدای ملاقات موسی علیه السلام با این دو دختر، وی مشاهده می‌کند که آن دو از نزدیک شدن به چاهی که مردان مشغول سیراب کردن چهارپایان خود بودند خودداری می‌کردند. موسی علیه السلام جلو رفته، به آنها می‌گوید: «منظور شما (از این کناره‌گیری) چیست؟» **﴿قَالَ مَا خَطْبُكُمْ﴾**. آن‌ها گفتند: «ما (برای پرهیز از اختلاط با مردان) گوسفندان خود را آب نمی‌دهیم تا اینکه همه چوپانان خارج شوند:» **﴿قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ﴾** (قصص/۲۳).

به دنبال خدمت خالصانه آن حضرت در حق آن دو دختر، یکی از آن دو در حالی که در نهایت حیا و عفت گام برمی‌داشت و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد، به سراغ او آمد و تنها این جمله را بر زبان راند: **﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾** (قصص/۲۵)، پدرم از تو دعوت می‌کند تا پاداش و مزد آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد.

#### ۸- شدت عمل در برابر انحرافات

هرچند در امر تربیت و اصلاح دیگران، ارشاد و تعلیم، اخلاق نیکو، محبت، سعه صدر، نرمش و مدارا، همگی اموری لازم و ضرور به نظر می‌رسند، در برخی موارد به دلیل نوع انحراف و عظمت قبح و زشتی آن، نرمش و مدارا بی‌اثر است و باید شدت عمل به خرج داد و با برخوردی انقلابی جلو فساد را گرفت.

نمونه‌هایی از این گونه برخوردهای انقلابی را می‌توان در سیره انبیاء مشاهده کرد؛ از جمله:

یک - یکی از نمونه‌های بارز شدت عمل در برابر انحرافات و گناهان عظیم برخورد حضرت موسی علیه السلام با گوساله پرستان به هنگام بازگشت از میعادگاه بود. بدون شک،

۱. بنگرید به: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۴۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی،

پرستش گوساله زرین سامری کار کوچکی نبود. ملتی که بعد از مشاهده آن همه آیات الهی و معجزات پیامبر بزرگشان همه را فراموش کرده بودند و با یک غیبت کوتاه پیامبرشان به کلی اساس توحید و آیین خدا را زیر پا گذارده، بت پرست شده بودند.<sup>۱</sup>

به همین دلیل بود که آن حضرت با اتخاذ تدابیری چند، جلو این انحراف اعتقادی را سد نمود. نخست در اولین برخورد با این صحنه، خشم شدید خود را آشکار ساخت، به گونه‌ای که: ﴿وَأَلْفَى الْأَوَّاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ﴾ (اعراف / ۱۵۰)؛ بی درنگ الواح تورات را به زمین افکند و به سراغ برادرش هارون رفت و سروریش او را گرفت و به سوی خود کشید.

این واکنش شدید و اظهار خشم، اثربریتی فوق‌العاده‌ای در بنی اسرائیل گذارد و صحنه را به کلی دگرگون ساخت، در حالی که اگر موسی می‌خواست با کلمات نرم و ملایم آنها را اندرز دهد، شاید کمتر سخنان او را می‌پذیرفتند و به اهمیت و عمق خطای خویش پی نمی‌بردند و ممکن بود آثار بت پرستی در اعماق ذهنشان باقی بماند. سپس به سراغ عامل اصلی توطئه یعنی سامری رفت و او را به چنان مجازاتی محکوم کرد که از کشتن بدتر بود و آن طرد از جامعه و منزوی ساختن او و تبدیل او به یک وجود نجس و آلوده بود که همگان باید از او فاصله بگیرند. (بنگرید به: سوره طه، آیه ۹۷).

آن‌گاه فرمان داد گوساله سامری را که نقش قبله‌گاه آن جماعت منحرف را داشت بسوزانند و ذرات آن را به دریا پاشند، تا برای همیشه محو و نابود گردد و اثری از آن به جا نماند.<sup>۲</sup>

در آخرین مرحله به سراغ گوساله پرستان بنی اسرائیل آمد و ضمن دستور توبه و بازگشت آنان به توحید، فرمان اعدام دسته جمعی گروه کثیری از آنها را صادر کرد. (سوره بقره، آیه ۵۴).

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۲۳۵.

۲. همان‌جا؛ همچنین بنگرید به: حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی تاریخی در تاریخ قرآن کریم،

دو- در صحنه ای دیگر پیامبر بزرگی چون ابراهیم علیه السلام هنگامی که می بیند استدلال و موعظه با جماعت کوردلی که در برابر تراشیده های دست خود به سجده می افتند و در برابر آنها خضوع و کرنش می کنند، اثری نمی بخشد، دست به کاری انقلابی می زند و اینکه به سراغ آن خدایان دروغین و موهوم رفته، با قطعه قطعه نمودن آنها مقدمات رهایی فکرو اندیشه بت پرستان را از جمود و کوته فکری فراهم می آورد. همچنین این کار را زمینه ای برای سؤال و جواب های بعدی در ارائه استدلال های دیده گشای دیگر خود قرار می دهد: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاءً إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء/ ۵۸)

## ۹- طرد عوامل فساد و تباهی

عوامل فساد و تظاهرکنندگان به فسق و فجور در هر جامعه به مثابه کانون ها و غده های چرکینی هستند که عدم برخورد قانونی و صحیح با آن ها راه را برگسترش آلودگی در سطح جامعه هموار خواهد نمود. در داستان های قرآن نمونه های متعددی از این موضوع را می توان سراغ گرفت؛ از جمله:

۱- طوفان نوح که همه کافران را در برگرفت علاوه بر مجازات، یک نوع پاک سازی محیط جامعه بود. در حقیقت هر جامعه آن گاه که از نظر فساد به حدی رسید که نتوانست هدف خلقت را ترسیم کند، به وسیله عاملی نابود می شود.<sup>۱</sup>

۲- با اینکه شیاطین برای انجام کارهای مثبت در اختیار حضرت سلیمان علیه السلام قرار گرفته بودند، جمعی از آنها که به عنوان نیروی مثبت و سازنده قابل استفاده به حساب نمی آمدند، در بند کشیده شدند تا جامعه از شرمزاحت آنها در امان باشد. قرآن در اشاره به این موضوع می گوید: «وَأَخْرَجْنَا مَقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ» (ص/ ۳۸)؛ و گروه دیگری از شیاطین را در غل و زنجیر تحت سلطه او قرار دادیم.

۳- حضرت موسی علیه السلام هنرمند منحرفی همچون سامری را به سبب فتنه عظیمی که در جامعه ایجاد کرده بود و زمینه انحراف اعتقادی بزرگ را در میان بنی اسرائیل

۱. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

پدیدآورده بود از جامعه طرد کرد و به او گفت: «باید از میان مردم دور شوی و با کسی تماس نگیری و بهره تو در بقیه عمرت این است که (به دردی مبتلا خواهی شد که) هرکس به تو نزدیک می شود خواهی گفت: با من تماس نگیر: ﴿فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ﴾ (طه/۹۷).

۴- در صحنه‌ای دیگر می بینیم، ثروتمند مغروری چون قارون که با پوشیدن لباس های فاخر و سوار شدن بر مرکب های راهوار و نمایش جنون آمیز ثروت خود به دیگران، چشم ها را به خود خیره کرده بود و روح و فکر و اندیشه مردمان ساده اندیش را تحت الشعاع جلوه های فریبنده خود قرار داده بود، به جرم سرکشی و تحقیر مؤمنان تهی دست، دست قدرت الهی چنان وی را در هم می کوبد که او و خانه اش را در زمین فرو می برد (بنگرید به: سوره قصص، آیه ۸۱)، و صفحه زمین را از لوث وجود چنین جرثومه فاسدی پاک می سازد.<sup>۱</sup>

#### ۱۰- نشان دادن راه حق بعد از محو باطل

از جمله روش های اصلاحی و تربیتی پیامبران الهی آن بود که هر گاه توفیق می یافتند تا بر جبهه باطل و کانون های فساد و تباهی غلبه کنند و دامان جامعه را از لوث وجود آنها پاک نمایند، با طرح اعتقادات توحیدی و ارائه راه حق، خلأهای فکری و اعتقادی مردم را پُر می ساختند و بدین وسیله مانع از نفوذ انواع خرافات و اعتقادات موهومی می گردیدند که معمولاً دامان هر جامعه انقلابی را پس از رهایی از چنگال فراعنه و طواغیت آلوده می نماید و جامعه را از مسیر صلاح و فلاح دور می سازد.<sup>۲</sup>

نمونه ای از این موضوع را می توان در لابه لای داستان های قرآن سراغ گرفت؛ از جمله: حضرت موسی علیه السلام پس از سوزاندن گوساله سامری (یعنی همان خدای دروغینی که مردم را به خود سرگرم کرده بود)، خدای حقیقی و طریق حقیقت را برای مردم معرفی

۱. بنگرید به: نصری، عبدالله، مبانی رسالت انبیاء در قرآن، ص ۱۴۴.

۲. فیض کاشانی، ملامحسن، الصافی فی تفسیر القرآن، ص ۵۶.

می‌نماید، تا از آن جاده‌های انحرافی به شاهراه توحید باز گردند و طریق هدایت را باز یابند.

این حقیقت را در آیه ۹۷ و ۹۸ سوره طه می‌توان به وضوح مشاهده نمود. آن حضرت نخست رو به سامری کرده می‌گوید: «وَأَنْظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْهَرِفْتَهُ ثُمَّ لَنْنَسِفْتَهُ فِي الْيَوْمِ نَسْفًا» (طه/۹۷)؛ (اکنون) به سوی معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی، نگاه کن و ببین ما نخست آن را می‌سوزانیم، سپس خاکستر و ذرات آن را به دریا خواهیم پاشید.

و به دنبال آن به معرفی خدای حقیقی پرداخته، می‌گوید: «إِنَّمَا إِلْهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طه/۹۸)؛ (ای قوم من) همانا معبود شما «الله» است که معبودی جز او نیست و علم او همه چیز را فرا گرفته است.

### جمع بندی و نتیجه

سالم سازی جامعه از انحرافات اخلاقی در قصص قرآن، ابعادی گسترده و زمینه‌های مختلفی دارد. در مرحله نخست باید محیط مناسبی را برای رشد و تکامل معنوی انسان‌ها فراهم نمود. محیط تربیتی عبارت است از تمام عوامل خارجی که انسان را احاطه کرده او را از آغاز رشدش تا زمان مرگش تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله ویژگی‌های انسان تأثیرپذیری از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی است. طبق این ویژگی، رشد برخی از افکار، نیت و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جست و جو کرد. به عبارت دیگر، انسان هم از حیث ظاهر و هم باطن تحت تأثیر شرایط محیطی که او را احاطه کرده، قرار دارد.

براین اساس برای زدودن پاره‌ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان باید به سالم سازی جامعه و محیط از انحرافات اخلاقی پرداخت. با بررسی قصص تربیتی قرآن به ده ایده و راهکار برای سالم سازی محیط از آلودگی‌های اخلاقی می‌رسیم که عبارت‌اند از:

ریشه‌یابی انحرافات، انقلاب فرهنگی، اصلاح تدریجی جامعه، ترویج امر به معروف و



نهی از منکر، بهره جستن از روش‌های مختلف، پاسخ‌گویی مشروع به نیازها قبل از محدودیت‌ها، حفظ حریم میان زن و مرد، شدت عمل در برابر انحرافات، طرد عوامل فساد و تباهی و نشان دادن راه حق بعد از محو باطل.

تجربه تاریخ سرشار از وجود کسانی است که به دلیل نداشتن محیطی سالم و درست، هریک بار خطایی را به دوش کشیده‌اند و تجربه‌های تلخ و شیرینی را پشت سر گذاشته‌اند. از این رو لازم نیست حتماً ما نیز خود به تجربه بنشینیم و راه طی شده آنان را بار دیگر بیازماییم؛ چراکه این بهای گزافی است و نیکو گفته‌اند: «آزموده را آزمودن خطاست».

البته باید توجه داشت که اصلی‌ترین راهکار برای سالم‌سازی جامعه از انحرافات اخلاقی، ترویج امر به معروف و نهی از منکر در میان آحاد افراد جامعه است که اگر این اصل نهادینه گردد، یقیناً جامعه‌ای سالم در همه ابعاد آن ایجاد خواهد شد. امید است با تأمل در موارد یاد شده، جامعه‌ای سالم از انحرافات اخلاقی را بتوانیم ایجاد نماییم.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، محمد بن عبد‌الکریم، *الکامل فی التاریخ*، دار بیروت و دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
۴. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۸ش.
۵. برومند، مهدی، *شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت*، انتشارات کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۰ش.
۶. جعفری، یعقوب، *شرح تاریخی قرآن*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۷. حجتی، سید محمد باقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۸. حرّعاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۹. حرانی، علی بن الحسین بن شعبه، *تحف العقول*، انتشارات کتاب فروشی اسلامی،

- تهران، ۱۳۶۰ ش.
۱۰. حکیم، محمدباقر، *علوم القرآن*، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
  ۱۱. رازی، فخرالدین، *التفسیر الکبیر*، دار احیاء التراث العربی، بی‌جا، بی‌تا.
  ۱۲. سبحانی، جعفر، *منشور جاوید*، کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین، اصفهان، ۱۳۶۰ ش.
  ۱۳. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، قم، ۱۳۶۳ ش.
  ۱۴. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی علوم القرآن*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
  ۱۵. عباسی مقدم، مصطفی، *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ ش.
  ۱۶. فیض کاشانی، ملا محسن، *الصافی فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی‌تا.
  ۱۷. قاسمی، حمید محمد، *روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن*، نشر و پژوهش معناگرا، تهران، ۱۳۸۵ ش.
  ۱۸. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، قم، ۱۳۷۸ ش.
  ۱۹. قطب، سید، *تفسیر فی ظلال القرآن*، دارالشروق، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
  ۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.
  ۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ ش.
  ۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
  ۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
  ۲۴. نصری، عبدالله، *مبانی رسالت انبیاء در قرآن*، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۶ ش.